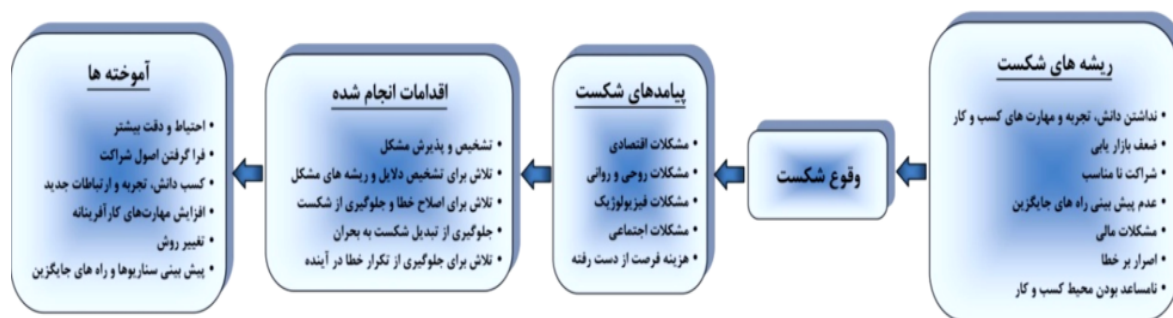


**شکست کارآفرینان باتجربه ایرانی؛  
ریشه‌ها، دلایل و پیامدها**

کسب‌وکارهای نوپا نقشی اساسی در ایجاد نوآوری، اشتغال و افزایش مزیت رقابتی کشورها دارند. با این حال نرخ شکست این‌گونه کسب‌وکارها بالاست و به تبع آن هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، روحی - روانی و جسمانی - فیزیکی زیادی را به کارآفرینان و سایر افراد جامعه تحمیل می‌کنند. از این رو، شناسایی دلایل این شکست‌ها، موضوع بااهمیتی محسوب می‌شود. دلایل شکست اغلب کسب‌وکارها، عواملی تقریباً مشابه و قابل شناسایی هستند. پژوهشی با روش تحقیق روایتی و با تکنیک مصاحبه‌های عمیق و هدفمند، به روایات زندگی کاری ۱۰ کارآفرین باتجربه که در میز کاری خود تجربه شکست‌های گوناگونی را داشته‌اند، پرداخته و روایت‌ها را در قالب چهار بخش ریشه‌های شکست، پیامدهای شکست، اقدامات انجام شده و آموخته‌های کارآفرینان از تجربه شکست طبقه‌بندی کرده است.



در جدول زیر توصیه‌های سیاستی منتج از ریشه‌های شکست کارآفرینان ایرانی که در پژوهش مذکور مورد مطالعه قرار گرفته آمده است:

توصیه‌های سیاستی منتج از آنها	ریشه‌های شکست
برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های عملی و برقراری امکان دسترسی کارآفرینان به مشاوره‌های تخصصی در قالب کلینیک‌های کسب‌وکار و یا مراکز مشاوره کسب‌وکار که در این مراکز می‌توان از کارآفرینان برجسته در کنار اساتید دانشگاهی حوزه‌های مدیریت، اقتصاد و کارآفرینی برای حل کردن مشکلات کسب‌وکارها بهره گرفت. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد چنین مراکزی در نزدیکی دانشگاه‌ها و یا درون پارک‌های علم و فناوری دانشگاهی کشور ایجاد و مراکز موجود تقویت گردند. البته برای حضور مؤثر اساتید و کارآفرینان در این مراکز باید مشوق‌های انگیزشی لازم در نظر گرفته شود.	۱. نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینی و ضعف در اجرا
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های مشاوره بازاریابی در قالب همان مراکز پیشنهادی، - برگزاری بازدهی‌های دوره‌ای برای مدیران و کارآفرینان از کسب‌وکارهای موفق داخلی و بین‌المللی با هدف آشنایی با شیوه‌های بازاریابی آنان	۲. ضعف بازاریابی (ضعف تحقیقات بازار و عدم تشخیص نیاز، ناتوانی در پیش‌بینی ریسک‌ها و تهدیدهای رقبا، نوآوری افراطی و نامتناسب با بازار و...)
متأسفانه این مشکل ریشه در ضعف فرهنگی جامعه ما و عدم تمرین و یادگیری کار تیمی داشته و به‌سادگی قابل حل نمی‌باشد. راه‌حل چنین معضلی در اصلاح آموزش‌های دوره کودکی افراد در مهد کودک‌ها و مدارس ابتدایی نهفته است. جایی که باید سعی شود موفقیت	۳. مشکلات ناشی از شراکت نامناسب (نداشتن دقت مناسب در انتخاب شرکا، یکسان بودن تخصص شرکا، داشتن تعارف زیاد و عدم ابراز

توصیه‌های سیاستی منتج از آنها	ریشه‌های شکست
<p>افراد را در گروهی کار گروهی آنان قرار داد و نه در گروهی رقابت. برای این کار شیوه تدریس و امتحان گرفتن از کودکان باید تغییر کرده و امتحان‌ها به صورت گروهی برگزار شده و نمره هم به کل گروه تعلق گیرد. در این صورت تنها کسی می‌تواند نمره بالایی کسب کند که کار گروهی قوی‌تری داشته و به جای رقابت با سایر کودکان، به همکاری با آنان توجه کند. علاوه بر آموزش کار تیمی، کودکان باید رک‌گویی و پرهیز از تعارفات زیاد در مناسبات کاری و تعاملات اجتماعی را بیاموزد همچنین اتکای افراد به روابط دوستانه و خویشاوندی در شراکت می‌تواند ناشی از پیشرفته نبودن قانون تجارت در ایران باشد که اصلاح این قانون بستر مناسبی را برای رفع چنین مشکلی فراهم خواهد کرد.</p>	<p>مخالفت‌ها و دخالت دوستی‌ها در شراکت)</p>
<p>حل این مشکل در گروهی تجربه‌اندوزی افراد است، هرچند که می‌توان با ایجاد شبکه‌های اجتماعی تخصصی در صنایع مختلف و برقراری ارتباط نزدیک‌تر بین کارآفرینان و صاحبان صنایع و به اشتراک‌گذاری تجارب بین آنها این روند را تسریع کرد. در ضمن نقش مشاوران کسب‌وکار نیز در این میان درخور توجه است.</p>	<p>۴. انعطاف‌پذیری پایین</p>
<p>با اینکه کمبود سرمایه و نقدینگی مشکل همیشگی همه کسب‌وکارهای نوپا تلقی می‌شود، با این حال تقویت سرمایه‌گذاران تخصصی همچون ونچر کپیتال‌ها در کشور و برقراری نوعی ارتباط نظام‌مند بین آنها و کسب‌وکارهای نوپا، به‌ویژه کسب‌وکارهای دانشگاهی و دانش‌بنیان می‌تواند نویدبخش تحولات شگرفی در آینده نزدیک باشد.</p>	<p>۵. مشکلات مالی</p>
<p>بسیاری از شرکت‌ها در فعالیتهای خود دچار خطا شده و پس از تشخیص نشانه‌های اولیه مشکل، حاضر به قبول آن نیستند و تا جایی ادامه می‌دهند که در برخی موارد بحران به انحلال کامل شرکت می‌انجامد. متأسفانه این معضل نیز ریشه در ضعف‌های فرهنگی و سطح دانش عمومی جامعه ما دارد. مطالعات عمیق تاریخی نشان می‌دهد که چنین مشکلی همواره در همه سطوح مدیریت ما به چشم می‌خورد و به نظر نمی‌رسد که بجز همت گماشتن به ارتقای دانش و فهم عمومی جامعه، آن هم در بلندمدت بتوان راه‌حلی میانبر برای چنین مشکلاتی به‌دست آورد.</p>	<p>۶. اصرار بر خطا و وابستگی به مسیر خطا</p>
<p>رفع مشکلات ناشی از نامساعد بودن محیط کسب‌وکار (تغییر سیاست‌های دولت و به‌کارگیری سیاست‌های سلیقه‌ای، بی‌ثباتی مدیران و کارفرمایان دولتی، وجود قوانین نامناسب و غیرحمایتی، عدم اطمینان محیطی، نامناسب بودن بازار، بهره‌های بانکی و...)</p>	<p>۷. نامساعد بودن محیط کسب‌وکار</p>